

مسئله حجاب و وظایف دولت اسلامی

<?xml encoding="UTF-8">

بی تردید مدگرایی و پدیده «بدحجابی» از معضلات و ناهنجاری های فرهنگی کشور در دوران حاضر است که باید بررسی و مطالعه آن را در ردیف معضلات دیگری، مانند تورم، بیکاری و اعتیاد و ... قرار دارد و برای حل آن چاره اندیشی نمود. وضعیت ناهنجار برخی از زنان و دختران امروز، به گونه ای است که فاصله کمی با بی حجابی دارد و حتی می توان آن را نوعی بی حجابی و «کشف حجاب نوین» نامید، چنانکه در روایات نیز درباره این گونه زنان آمده است:

نساء کاسیات عاریات...، زنانی که لباس به تن دارند ولی عریانند... .

به طور کلی ضرورت پرداختن به مقوله حجاب و پوشش، بیشتر بدان جهت است که این امر در برخی مقاطع، صبغه فرهنگی و ملی به خود می گیرد و می توان با عنایت به آن، نگرش فکری و اعتقادی افراد و گروه ها و میزان پایبندی آنان به نمادهای دینی و ملی را تعیین نمود. برطبق حدیث بیان شده شیخ صدوق با سند خود، از امام صادق (ع) نقل می کند:

اوحی الله عزوجل الی نبی من انبیائه قل للمؤمنین لایلبسوا لباس اعدائی و لایطعموا مطاعم اعدائی و لایسلکوا مسالک اعدائی فیکونوا اعدائی کماهم اعدائی؛

خدای عزوجل، به پیامبری از پیامبرانش وحی نمود: به مؤمنان بگو: پوشش دشمنان را نپوشند، از خوردنی های ایشان نخورند و راه های آنان را نپیمایند که در این صورت، همانند آنان، دشمنان من خواهند بود.

در برخی از روایات به جای «لایسلکوا مسالک اعدائی»، «لایتشکلوا بمشاکل اعدائی» آمده است که در این صورت، می توان از آن، زشت و نکوهیده بودن مدگرایی و هم شکل شدن با دشمنان دین خدا را استفاده نمود.

امروز بر هیچ خردمندی پوشیده نیست که جبهه کفر و استکبار در نظر دارد بار دیگر از تجربه تاریخی و تلخ اندلس بر ممالک اسلامی، به خصوص جمهوری اسلامی ایران استفاده کند، آن هم با بهره گیری از فن آوری ها، تکنیک های نو و دستگاه های پیشرفته و پیچیده تبلیغاتی. بی گمان برنامه های آنان، از بین بردن حجاب اسلامی و جایگزین ساختن مدها و الگوهای غربی است. یکی از نظریه پردازان غربی به صراحت می گوید:

برای به شکست کشاندن انقلاب و حکومت اسلامی در ایران، باید از کوتاه کردن مانتوها شروع کنیم.

مع الاسف در سال های اخیر، به جای آن که به موازات رشد و گسترش این پدیده، برنامه ریزی ها و اقدامات علمی و هم آهنگ متولیان و دستگاه های فرهنگی صورت بگیرد، سکوت، بی برنامه گی و انفعال بسیاری را از آنان شاهد بوده ایم.

ممکن است برخی برای فرار از مسئولیت و توجیه بی برنامه گی خود، پوشش را امری درونی بدانند که نمی توان به اجبار، کسی را با حجاب کرد، چنان که ممکن است برخی نیز پرهیز از هرگونه اقدام تنبیهی و تعزیری را توصیه کنند و بگویند باید در مبارزه با این ناهنجاری، تنها به کار فرهنگی پرداخت.

به هر حال، رشد و گسترش پدیده بدحجابی از یک سو و بی برنامه گی متولیان فرهنگی از سوی دیگر موجب شده، برخی امید به اصلاح وضعیت موجود را از دست بدهند و اساسا به این جمع بندی برسند که بیشتر بانوان جامعه ما، نه تنها بدحجاب بلکه خواهان رفع الزام درباره این حکم الهی هستند؛ حال آن که هم تساهل و تسامح

مسئولان در این باب و هم جمع بندی مزبور درباره زنان ایرانی خطا و نادرست است.

این گونه افراد، تنها بخشی از واقعیت را می بینند و به این واقعیت انکارناپذیر توجه ندارند که درصد بالایی از زنان و دختران متدین و عقیف، ترجیح می دهند برای حفظ ارزش ها و باورهای دینی خود، کم تر در معابر عمومی ظاهر شوند، نیز به تجمعات بزرگ زنان محجبه در راه پیمایی ها، نماز عیدها و نماز جمعه ها توجه ندارند و زنان بی قید خیابانی را مبنای قضاوت خود درباره همه زنان ایرانی می دانند.

به طور کلی می توان زنان جامعه ایرانی را به لحاظ میزان التزام به پوشش، به سه دسته متمایز تقسیم کرد:
1. بانوان متدین و مقید به حجاب؛ چنان که گفتیم، بیشتر بانوان از شمار این دسته اند که به علت نداشتن انگیزه خودنمایی و تبرج، نمود و بروز کمتری دارند.

2. بانوان غافل و کم توجه به احکام و موازین اسلامی؛ می توان گفت بیشتر زنان و دخترانی که در معابر و اماکن عمومی با پوشش ناقص ظاهر می شوند کسانی هستند که از حدود و ثغور حجاب اسلامی و ارزش و اهمیت آن، آگاهی کافی ندارند یا تحت تأثیر جو قرار گرفته اند و قبح بدحجابی را فراموش کرده اند. این گونه افراد، هیچ گونه تعمد و غرض ورزی ندارند و با ارشاد و کار فرهنگی مناسب، رفتارشان را می توان تغییر داد.

3. زنان و دخترانی که باید آنان را تابلوهای بدحجابی و مانکن های متحرکی دانست که با رفتارهای نامأنوس و غیرمتعارف خود، در خدمت ترویج فرهنگ بیگانه قرار دارند و دانسته یا ندانسته به احکام و ارزش های اسلامی و ملی، دهن کجی می کنند.

بی گمان این دسته، با ویژگی های یادشده، در اقلیت قرار دارند.

بدیهی است دستگاه های فرهنگی کشور، برای هر یک از این گروه ها، به نحوی خاص باید سیاست گذاری و برنامه ریزی کنند. لازم است محور سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها درباره گروه نخست، «تشویق» و ترغیب باشد. برای مثال، در برخی ازمیادین شهرها، تندیس هایی در اشاره به اهمیت و معرفی پوشش کامل اسلامی بنهند، یا صدا و سیما، با هدف فرهنگ سازی، بانوان محجبه و در عین حال موفق در عرصه علم آموزی و نوآوری را الگو معرفی نماید، یا در ارزش یابی درباره مشاغل، مراعات پوشش اسلامی را نیز لحاظ کنند.

گفتنی است تشویق در لغت، به شوق آوردن، راغب کردن و آرزومند ساختن معنا می دهد. و در اصطلاح تربیتی، بهره گیری از امور مورد علاقه شخص به منظور ترغیب نمودن او به تثبیت یا ادامه کاری است که انجام داده یا شروع به انجام آن کرده است. در اهمیت شیوه تربیتی تشویق، همین بس که بخش جالب توجهی از آیات قرآن، در پیوند با ترغیب و تشویق مردم به انجام کارهای پسندیده و پرهیز از امور ناپسند نازل شده است.

امام علی (ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر، با تأکید بر اهمیت این شیوه می فرماید:

نبايد نیکوکار و زشتکار پیش تو یکسان باشند، زیرا در این صورت، نیکوکار درباره انجام کار نیک، دل سرد و بی رغبت می شود و بدکار در ارتکاب بدی تشویق می گردد.

در بخش دیگری از این نامه، خطاب به او می فرماید:

... پی در پی آنان را تشویق کن و کارهای مهمی را که انجام داده اند، برشمار.

درباره اهمیت الگو و نقش آن در شکل گیری اخلاق و رفتار نیز باید گفت تأثر و پیروی انسان ها از برخی افراد با ویژگی های خاص، از امور عینی و همگانی در عرصه زندگی به شمار می آید، تاجایی که می توان آن را از اصول مسلم و استثناپذیر علم روان شناسی دانست. صاحب نظران این علم برآنند که فرد در دوران کودکی از والدین خود تقلید می کند، سپس با دگرگونی رشدش از معلمان، سران محافل و جمعیت هایی پیروی می کند که در آغاز

نوجوانی بدان ها منسوب می شود. پس از آن همگنان برتر و ممتاز خود را الگو قرار می دهد، سپس حرکات پهلوانان و کسانی را تقلید می کند که موجب شگفتی او می شوند. حتی از دیرباز، گروهی از روان شناسان به ویژه گابریل تارد، بر این اعتقاد بوده اند که اصولاً رفتار اجتماعی خُلقی، به تقلید مربوط می شود. اما یادآور می شویم که محور برنامه ها درباره گروه دوم، «تبلیغ»، ارشاد، راهنمایی و اطلاع رسانی است. برای مثال، در میادین و خیابان های شهرها، تابلوها و تصاویری با مضامین زیبا و خواندنی درباره حجاب و تبعات زیان بار بدحجابی نصب شود و مهم تر از آن، صدا و سیما، با برنامه هایی جذاب و در اوقات مناسب، به بیان آموزه های دین در امر حجاب بپردازد.

ضرورت این امر بدان جهت است که تحقیقات میدانی به خوبی نشان می دهد این دسته از بانوان، از موازین و احکام شرع درباره حجاب و چگونگی مواجهه با نامحرم آگاهی کافی و دقیق ندارند.

محور مناسب برنامه ها درباره گروه سوم نیز در وهله نخست «تنبیه» و پس از آن ارشاد و بازپروری است. به هر حال، روی آوردن متعادل به امرحجاب در زمان حاضر ضروری است؛ زیرا کشور ما در چند دهه اخیر، دو مقطع مهم را در این باره پشت سر گذاشته. در یک مقطع، برخی افراط گری ها، سخت گیری های بی جا و برخوردهای سلیقه ای و در مقطعی دیگر، تساهل، تسامح و کوتاهی فراوان در این زمینه بوده است. اکنون مردم ما و به خصوص متدینان، ضرورت تعادل و برنامه ریزی های منطقی و معتدل در این زمینه را به خوبی احساس و حمایت می کنند.

لزوم مداخله دولت

برخی براین دیدگاه نادرست پافشاری می کنند که دخالت دولت در امر حجاب و مبارزه با بدحجابی، موجب عناد و جری شدن افراد و زمینه ساز هرج و مرج بیش تر خواهد شد. بنابراین، لازم است دولت، وارد این عرصه نشود. غافل از آن که اهداف اساسی برپایی حکومت دینی، حفظ مظاهر دینی و پاسداری از شعار اسلامی بوده است.

(الذین إن مکّثاهم فی الارض أقاموا الصلاه واتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر)؛

مؤمنان کسانی اند که اگر به آنان در زمین، قدرت و مکنت دادیم، نماز برپای می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند....

اهدافی که با برنامه ریزی های متعادل و معقول، برای اکثر ملت مسلمان کاملاً دست یافتنی و مورد حمایت است.

چنان که می دانیم، برابر قوانین عربستان، رعایت پوشش کامل برای زنان این کشور الزامی است و پوشاندن دست ها و صورت حتی برای دختران، پس ازدوران ابتدایی اجباری است و چنان چه زنی، در معابر این کشور، خود را به خوبی نپوشاند، مأموران موسوم به «مطوع» که وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را برعهده دارند، آن را بازخواست می کنند.

بدیهی است وقتی دولتی بدون پشتوانه مردمی به حجاب بیش از حد واجب الزام می دارد، دولتی منتخب و برخوردار از حمایت مردمی نیز به طریق اولی می تواند به حجاب در حد متعادل و معقول الزام دارد.

راه کارهای دخالت دولت

برخی با قیاس مع الفارق می گویند: اگر رضاخان توانست به اجبار، چادر از سر زنان ما بگیرد، ما هم می توانیم زنان بی حجاب را به اجبار باحجاب کنیم!

باید گفت کاری که رضاخان انجام داد، خلاف شرع، عقل و ناهم خوان با آداب و سنن ملی و در راستای اهداف استعماری و مورد مخالفت محافل و مراجع دینی بود، حال آنکه برنامه ریزی همه جانبه و متعادل در مبارزه با پدیده بدحجابی، کاری معقول، مشروع، منطبق بر فطرت، هم آهنگ با آداب و سنن ملی و مورد حمایت مراجع معظم تقلید و اکثریت متدین جامعه است، مشروط بر آن که مسئولان و متولیان فرهنگی کشور، با هم آهنگی و انسجام و با شهامت و شجاعت وارد میدان شوند و با بی اعتنائی کامل به فشارها و جوسازی های دشمنان، به تکالیف الهی عمل می کنند.

گفتنی است، حساسیت و ظرافت این مسئله ایجاب می کند که دولت در مبارزه با آن، از برنامه های کوتاه مدت و درازمدت استفاده کند.

الف) برنامه های کوتاه مدت

چگونگی تدوین برنامه های کوتاه مدت، خود نیازمند مطالعه و بررسی است، ولی آن چه می تواند مورد توجه مسئولان قرار گیرد و در انتظار آثار مطلوب آن بود، امور زیر است:

1. نظارت بر تولید، واردات و عرضه البسه مبتذل و ناهمخوان با فرهنگ اسلامی و ملی و برخوردهای باز دارنده با اشخاص حقیقی و حقوقی که در این عرصه فعالیت می کنند.

2. وضع محدودیت هایی در استفاده از امکانات و خدمات دولتی برای اشخاص بدحجاب؛

3. مع الاسف، در نتیجه سیاست تساهل و تسامح، پدیده بدحجابی به اماکن دولتی نیز سرایت کرده و ارباب رجوع، ناباورانه بازلف ها و چهره های بزک کرده برخی از کارمندان زن مواجه می شوند.

هیئت دولت می تواند این مشکل را به راحتی و با صدور بخش نامه ای جدید به دستگاه های تحت پوشش، مبنی بر لزوم رعایت پوشش اسلامی برای بانوان کارمند و برخورد جدی با مدیران و رؤیسان متخلف حل نماید.

ب) برنامه های درازمدت

1. ضروری است حال که بیش از یک ربع قرن از پیروزی انقلاب اسلامی می گذرد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با همکاری و هم فکری حوزه علمیه و مجلس شورای اسلامی، الگویی مناسب و منطبق بر موازین دینی و ملی برای پوشش بانوان تهیه و تدوین کند و پس از تصویب این لایحه، صدا و سیما و دیگر رسانه ها، به طور هم آهنگ آن را برای مردم تشریح نمایند و با طی مرحله اطلاع رسانی، مقطع زمانی مناسبی مثلاً شش ماه، به امر ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر زبانی اختصاص دهد و پس از این مدت، در کنار ارشاد، مرحله برخورد نیروی انتظامی با متخلفان و اقدامات قضایی نیز شروع شود.

برای چگونگی اجرای مرحله ارشاد پیشنهاد می شود که ستاد یا سازمان امر به معروف و نهی از منکر در هر یک از نقاط ورودی یا خروجی اماکن و معابر پرتردد مانند بازارها، زیارتگاه ها و پارک ها، با متانت لازم و خلق و خوی اسلامی وجوب و اهمیت حجاب اسلامی را به عابران، گوشزد نماید؛

2. بسیار مناسب است که نهادهای مسئول در تدوین کتب درسی دانش آموزان و دانش جویان، مطالبی مهم و مستدل در امر ضرورت حجاب در کتب دینی و اخلاقی آنان بگنجانند و آموزه های دینی در این باب را خاطر نشان سازند.

3. چنان که بیان شد، مجلس شورای اسلامی با مطالعه کارشناسانه و سپس قانون گذاری جامع و فراگیر در این

باب و پس از تصویب قوانین، با نظارت جدی بر اجرای آن ها، می تواند کمک بزرگی به هدف مورد نظر نماید.

4. روی کرد مثبت و کارشناسانه صدا و سیما به این مقوله حساس اجتماعی، آثار و برکاتی دارد که برکسی پوشیده نیست؛ زیرا به مصداق «لاینتشر الحق الا من حیث انتشر الضلال» باید بر تهاجم فرهنگی با سلاح فرهنگی مقابله کرد.

در پیوند با مسئولیت این رسانه ملی و پرمخاطب در امر حجاب، پرسش های بسیاری مطرح است، از جمله این که تاکنون این رسانه چه تعداد فیلم و سریال در تأکید بر حجاب اسلامی ساخته است؟ آیا این سازمان، تاکنون به برگزاری میزگرد علمی درباره حجاب اقدام کرده است؟ چرا آیات حجاب و روایات فراوانی که در این باب وارد شده و فتاوی صریح مراجع دینی در این زمینه، با شیوه های هنرمندانه بیان نمی شود؟ آیا اشکال دارد گاهی به جای تبلیغ اشیای خوراکی، کالاهای مصرفی و تجملی در لابه لای فیلم های پربیننده، آیات قرآن و سخنان بزرگان دین در امر حجاب گفته شود؟

5. بی تردید، نقش روحانیان نیز در این باب، نقش بسیار مهمی دارند. تجربه نشان داده، از عوامل مهمی که می تواند مسئولان امر را از سکون و انفعال، به حرکت و اقدام وا دارد، تذکرات مداوم مراجع معظم، هشدارهای عالمان و ائمه جمعه و جماعات است.

افزون بر موضع گیری های ارشادی روحانیان، نقش علمی آنان نیز در این باب، شایان توجه است. برای مثال، روحانیان با تبیین این مطلب که سن بلوغ برای دختران از نظر اکثر قریب به اتفاق همه مراجع، نه سال است و فتاوی شاذ دیگر، در میان فحول علما و مراجع بزرگ گذشته و حال قائلی ندارد، می توانند به سامان دهی وضعیت حجاب کمک نمایند.

در پایان یادآور می شویم که سنگینی مسئولیت نهادهای یاد شده، به هیچ وجه، نافی مسئولیت افراد نیست؛ زیرا بر اساس آموزه های اسلامی، جامعه، به منزله خانواده بزرگی است که هر یک از اعضای آن، نسبت به دیگران، وظایف و مسئولیت هایی دارد.

چنان که در بخشی از سخنان پیامبر اسلام (ص) آمده است:

همه شما نسبت به مردم و اهل خود، نگهبان و مسئول هستید، امام و پیشوا، نسبت به مردمانی که درحوزه حکومتی او زندگی می کنند، مرد، نسبت به خانواده، زن، نسبت به شوهر، خدمتکار، نسبت به کسی که او را استخدام کرده است و ...